

برنامه ریزی درسی و آموزش

جغرافیا در آمریکا

(دوره ابتدایی و دبیرستان)

محمود معافی



طبعاً یک چنین جغرافیایی نمی توانست چندان مورد علاقه دانش آموزان قرار گیرد. در نیمه دوم قرن نوزدهم آموزش نوینی جغرافیای عمومی در مدارس مطرح شد که هدف آن مطالعه پراکندگی انواع سباهای طبیعی در جهان بود. در دهه ۱۸۹۰ با تشکیل دهمین کمیته تعلیم و تربیت ملی، توسط ویلیام مورس دیویس استاد دانشگاه هاروارد در مورد آموزش جغرافیا طرحی به این کمیته داده شد که غالب موضوعات آن در ارتباط با جغرافیای طبیعی بود و در آن نیز به بررسی ارتباط دو جانبه انسان و محیط توجه شده بود.

طرح دیویس شامل یک سلسله حقایق جغرافیایی بود که به توصیف اشکال گوناگون طبیعی سطح زمین می پرداخت و دانش آموزان ناچار به حفظ کردن آنها بودند. اگرچه طراحی این دروس به شکل نسبتاً جالبی بود، اما دانش آموزان رغبت چندانی به یادگیری آن نشان نمی دادند. به خصوص هنگامی که تدریس آن توسط معلمی که تخصص چندانی در جغرافیای طبیعی و علوم آزمایشگاهی نداشت صورت می گرفت. قطعاً توانایی چنین معلمینی در دستیابی به اهداف آموزشی چندان زیاد نبود. آموزش جغرافیا در طول قرن بیستم همواره تاریخی پر از نشیب و فراز داشته است. محتوای آن نیز در طول این سالها تغییر زیادی پیدا کرده، و به میزان زیادی تغییرات آن به تحقیقات جغرافیایی و تقاضاهای اجتماعی ارتباط داشته است. هم اکنون این دروس که غالباً "باید سیستمی طراحی شده است به نام علوم زمین (Earth Science) در برنامه های درسی عرضه می شود.

با آغاز قرن بیستم همراه با توسعه صنعت در آمریکا که این کشور جستجوی خود را برای بازارهایی و صدور کالاهای اضافی خود به سایر نقاط جهان شروع کرده بود، طبعاً نیاز به یک نوع اطلاعات جهانی احساس می شد.

درگیری آمریکا در جنگ جهانی اول و دوم و رشد انقلابات سیاسی و تکنولوژیکی در چند دهه اخیر، افق دید مردم این کشور را وسیعتر کرد و مسلم گردید که وقوع اتفاقات در نقطه مشخصی از جهان می تواند زندگی هزاران نفر را در دورترین نقاط تحت الشعاع

با توجه به اینکه شیوه برنامه ریزی درسی در آمریکا غیر متمرکز بوده و مدارس هر ایالت در انتخاب کتب درسی مستقل هستند، بیان اهداف آموزش جغرافیا در ایالات مختلف کار چندان آسانی نیست اما تلاش می شود که این اهداف ایالات در راستای اهداف کلی نظام آموزش و پرورش آمریکا باشد. در واقع در سالهای اخیر گرایش بیشتر به برنامه ریزی متمرکز غیر متمرکز بوده است. بررسی و مطالعه یک سری از کتب درسی سال ۱۹۸۶ تحت عنوان جهان و مردم آن (The world and its people) که در ایالت نیوجرسی توسط شرکت انتشاراتی سیلور بردت تولید گردید، و در تعدادی از مدارس ایالات نیوجرسی، آتلانتا، اوهایو، تگزاس، ایلینویز و کانزاس تدریس می شود و کتبی که بر مبنای پروژه جغرافیایی دبیرستانها تألیف شده است، تا حدی می توان به اهداف آموزشی جغرافیا پی برد.

اهداف کلی آموزش جغرافیا در مقطع ابتدایی و دبیرستان عبارتند از:

- ۱- آشنایی با خود، خانواده، همسایگان، جامعه محلی، جامعه روستایی و شهری، ایالت نواحی جغرافیایی کشور مسکونی، کشورهای همسایه، قاره آمریکا و سایر قاره ها.
- ۲- شناخت محیط طبیعی و نواحی عمده جغرافیایی جهان.
- ۳- آگاهی از مسئولیتهای یک شهروند.
- ۴- آشنایی با زندگی در یک جامعه دموکراتیک.
- ۵- چگونگی تأمین احتیاجات شخصی.
- ۶- توانایی برخورد علمی با مسائل زندگی.
- ۷- درک تفاوتهای مکانی از مکان دیگر.

تغییرات محتوای کتب درسی

در اوایل قرن نوزدهم توجه بیشتر به مطالعه کشورها به صورت منفرد بوده است که طی آن یک سلسله مفاهیم در ارتباط با موقعیت و با ویژگیهای مکانها مطرح می شد و دانش آموزان ناچار به حفظ آن بودند.

قرار دهد به همین دلیل این فکر تقویت شد که آموزش جغرافیا نمی‌تواند برای مدت طولانی به شناخت جوامع محلی ایالات و با یک کشور محدود گردد. بلکه وقت آن رسیده است که معیاً فرهنگ و اقتصاد سایر ملل، همچنین ارتباطات بین‌المللی مورد مطالعه قرار گیرد. نیاز به بازارهای جهانی و منابع معدنی سایر کشورها موجب گردید که جغرافیای اقتصادی به خصوص در رشته‌های اقتصادی و بازرگانی وارد سیستم آموزشی آمریکا گردد و حتی تدریس آن در مدارس فنی و حرفه‌ای نیز رواج پیدا کند.

با شروع جنگ دوم جهانی توجه به جغرافیای اقتصادی و جغرافیای کشورهای پیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و تا امروز نیز مطالعه این رشته‌ها در اغلب دبیرستانهای آمریکا رواج دارد.

موضوعات جغرافیای اقتصادی عموماً "برحول و حوش پراکندگی صنایع عمده و منابع مورد نیاز این صنایع و بررسی کشورهای عمده اقتصادی جهان متمرکز می‌باشد.

البته در سراسر این دروس به شرایط اقلیمی این کشورها و ارتباط آن با منابع طبیعی مثلاً "رابطه آب و هوای گرم و خشک مداری با قهوه و یا رابطه آب و هوای گرم مرطوب مداری با کافور توجه می‌شود.

هدف از آموزش این درس آگاهی از تولیدات و مصارف کشورهای عمده اقتصادی جهان به منظور استفاده در امر تجارت و بازرگانی بوده است.

در طول دهه ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ چارلز کولبی و آلیس فوستر از دانشگاه شیکاگو اقدام به تألیف کتابهایی تحت عنوان جغرافیای اقتصادی کردند که اساس آنها مطالعه نواحی عمده صنعتی جهان، پراکندگی صنایع طبیعی، روابط تجاری و بازرگانی کشورهای مختلف بود. این کتابها به عنوان بهترین کتب درسی در این زمینه شناخته شد چرا که به خوبی اهداف تجاری و بازرگانی آمریکا را تأمین می‌کرد. تدریس این کتابهای درسی با تجدید نظرهایی که در آنها صورت گرفته است هنوز هم رایج است.

نخستین تجدید نظر در مطالعات جغرافیایی با شروع جنگ جهانی دوم همراه بود. درگیری آمریکا در جنگ جهانی دوم، تبدیل این کشور به یک فول صنعتی و امپریالیستی، تأثیرات انقلاب سیاسی در کشورهای جهان که به گونه‌ای در اقتصاد آمریکا اثر می‌گذاشت و بالاخره نقشی که آمریکا پس از جنگ دوم در حل و فصل مسائل جهانی برای خود قائل بود موجب گردید که توجه به بعد جهانی در آموزش جغرافیا به نحو بی‌سابقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.

نیاز به چنین شناخت فزاینده‌ای از مردم و سرزمینهای جهان برای آمریکاییان دقیقاً در سپتامبر ۱۹۶۵ توسط جانسون رئیس جمهوری وقت اعلام شد.

وی در ماه ژانویه ۱۹۶۶ طی یک برنامه پنج ماده‌ای که به کنگره آمریکا ارائه داد، خواستار آنکه به مدارس آمریکا جهت افزایش آگاهی مردم این کشور از جهان و ملل آن گردید. به هر صورت اکنون

دو نگرش دانشگاهی قابل قبول در مورد آموزش جغرافیا وجود دارد که هر دو دارای پیروانی می‌باشد.

نگرش اول بدین صورت است که به سیاره زمین در حکم خانه انسان می‌نگرد و معتقد است که دانش‌آموزان باید در جغرافیا با این مفاهیم آشنا شوند. کلیاتی در باره آب و هوا خصوصیات مناطق مختلف سطح زمین (از قبیل نواحی خشک، نیمه‌خشک، مناطق گرم و مرطوب و...) .

شیوه‌های مختلف زندگی در مناطق مختلف، آداب و رسوم، تواناییهای تکنیکی در شرایط مختلف آب و هوایی، رابطه مسکن با اقلیم، محصولات که در یک ناحیه به عمل می‌آید، مسائل، فرهنگ، جشنها، لباسهایی که ملل مختلف می‌پوشند و تأثیرات اقلیم ناحیه‌ای در پیدایش اینها همچنین درک رابطه متقابل انسان و محیط.

نگرش دوم در دهه ۱۹۵۰ پیدا شد که در آن جهان به مناطق فرهنگی تقسیم می‌گردید. در این نگرش، نواحی زمین به وسیله یک سری از مسافت مشترک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به قلمروهای مختلف فرهنگی تقسیم می‌شده، و در آن به بررسی توزیع پدیده‌های طبیعی و انسانی، اوضاع مسکن، منابع طبیعی، نیادهای مشابه اجتماعی، شیوه‌های زندگی، نوع تفکر و بالاخره سایر مسائلی که موجب می‌گردد که آن قسمت از زمین به عنوان یک ناحیه عمده فرهنگی در جهان مطرح شود بحث می‌کند. نخستین تجدید نظر در مطالعات جغرافیایی همانگونه که در پیش مطرح شد، با شروع جنگ جهانی دوم صورت گرفت و آغاز آن از دانشگاههای آمریکا بود که بعداً تأثیر خود را در مدارس ابتدایی و دبیرستان برجای گذاشت. نیاز اجتماعی و کمک دولت به دانشگاهها و مدارس موجب گردید که مطالعه جهان و مردم آن پیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

کتاب درسی که پس از سالهای ۱۹۵۰ تألیف شده است عموماً تحت عنوان جغرافیای جهان، جهان و مردم آن، زمین و مردم آن، سرزمینها و مردم عرضه می‌شد. هدف کلیه این دروس نشان دادن تفاوتهای مکانی از مکان دیگر همچنین کارایی علم جغرافیا در حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که قسمتهای مختلف جهان با آن روبرو هستند.

توجه به تفاوتهای مکانی از مکان دیگر تحت تأثیر افکار هارتشورن جغرافیدان معروف آمریکا بود. این جغرافیدان بین دهه ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ با انتشار کتاب (طبیعت علم جغرافیا) به میزان زیادی آموزش جغرافیا در دانشگاهها و مدارس را تحت تأثیر قرار داد.

هارتشورن علم جغرافیا را علم تفاوتهای مکانی از مکان دیگر می‌دانست این طرزتلفی جدید از جغرافیا ابتدا موجب گشت آموزش جغرافیا در دانشگاهها و بعد در دبیرستانها و مدارس ابتدایی از نظریات این جغرافیدان معیاً متأثر گردد. به گونه‌ای که کتب درسی که هم‌اکنون تحت عنوان جغرافیای جهان تألیف می‌شود همگی تأکید بر آموزش جغرافیای ناحیه‌ای دارند. مدافعان آموزش جغرافیای

ناحیه‌های اظهار می‌دارند، از آنجا که نواحی عمده فرهنگی هرکدام نیروهای خاص خود را برای تغییر و نوآوری در اختیار دارند و از طرفی دارای شباهت و ارتباط‌های درونی نیز می‌باشند، دانش‌آموزی که نواحی فرهنگی نظیر آمریکای لاتین، آفریقا، آسیای شرقی و جنوب شرقی بلوک شرق و یا بلوک غرب را مطالعه می‌کند بهتر می‌تواند تفاوتها، شباهتها همچنین روابط و با مسائل هرکدام از این نواحی را درک کند.

این دانش‌آموز دیگر زیر انبوه اطلاعات از کشورهای مختلف گیج و آشفته نخواهد شد بلکه در عوض قادر خواهد بود که به درکی جامع از تفاوت‌های اساسی طبیعی و فرهنگی از مکان‌های مختلف در سطح سیاره زمین دست یابد.

تحولات جدید در آموزش جغرافیا پس از سال ۱۹۶۰ میلادی

دهه ۱۹۶۰ یک دهه پراز جنب و جوش در تعلیم و تربیت آمریکا بوده است. در این سالها گرایش روزافزونی به انتقاد از روشهای تدریس، نظریه‌های یادگیری موجود، جای دادن محتوای جدید و نو در کتابها، به کارگیری رسانه‌های جدید در امر آموزش و بالاخره تدارک تجربیات تازه برای معلمین به منظور آموزش بهتر و موثرتر به جوانان آمریکا، به وجود آمد.

در این جنبش که از سوی دولت فدرال، برنامه‌ریزان، مربیان تعلیم و تربیت، روانشناسان و معلمان شروع شده بود، طرحهای فراوانی برای بهبود کیفیت و کیفیت یادگیری مرصه گشت و طبعاً در حوزه جغرافیا نیز انعکاس داشت.

برای نیل به این اهداف، موارد زیر دنبال گردید:

- ۱- ارزیابی نقش جغرافیا در برنامه‌های درسی دبیرستانها و مدارس ابتدایی.
- ۲- رشد و توسعه تجربیات جدید برای دانش‌آموزان.
- ۳- توسعه برنامه‌های مطالعاتی منظم و مدون بر سنای تجربیات یادگیری.
- ۴- به کارگیری روشهای متنوع در تدریس.
- ۵- استفاده از فناوریهایی که توسط روانشناسان ابراز می‌شد.
- ۶- ابداع وسایل کمک‌آموزشی متنوع و جدید همسوی نیازهای آموزشی.

۷- توسعه برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت برای کمک به مدرسان جهت گسترش دید آنها از علم جغرافیا و ارائه تکنیکهای لازم که بتوانند نیاز سریع آمریکا را در برخورد با مسائل جهانی برآورده سازد و با نظری عمیق به بسیاری از مسائل پیچیده اقتصادی، اجتماعی و وابستگیهای سیاسی نگاه کند.

۸- ارائه پروژه‌های دانشگاهی در زمینه آموزش جغرافیا در مقطع ابتدایی و دبیرستان.

۹- تهیه مواد جدید و مورد علاقه دانش‌آموزان.

۱۰- شروع برنامه‌ریزیهای جدید مطالعاتی برای آینده‌معلمان به منظور دستیابی به مفاهیم عمده و روشهای تفکر و اندیشیدن در باره مواد درسی.

بهرحال دلائل زیادی در دست است که پس از دهه ۱۹۶۱ تجدید نظری عمیق و وسیع در برنامه‌ها و آموزش جغرافیا صورت گرفته است و همواره از یک نرخ روبه رشدی نیز برخوردار بوده است. هم‌اکنون یک جنبش سراسری در بین معلمان و برنامه‌ریزان کشور به وجود آمده است که در آن به درک و فهم کلیات و کاربردی بودن آن اهمیت بیشتری می‌دهد تا حفظ کردن انواع موضوعات مختلفی که موجب آشفتنی ذهن دانش‌آموزان می‌گردد. از آنجا که تلقی مربیان آمریکا از آموزش و پرورش این است که تعلیم و تربیت فرآیندی است که در طی آن تغییراتی در رفتار فرد به خاطر تجربیاتی که کسب می‌کند به وجود می‌آید، و کار اصلی معلم ایجاد تغییر در تمامی شئون رفتار دانش‌آموز است، به شاگرد فهمانده می‌شود که برای پذیرفتن تغییر نباید تنها متکی به مدرسه باشد به همین دلیل دانش‌آموز و پرورش از محدوده کوچک کلاس‌ها تا پیسه وسیع جامعه گسترده می‌باشد برنامه‌های آموزشی مدرسه به گونه‌ای تنظیم می‌شود که مدرسه قسمتی از محیط آموزشی باشد. از این رو دانش‌آموزان در دوره ابتدایی و دبیرستان از طریق کتابهای مختلف مصاحبه، نامت نگاری، مشاهده، گردآوری تصاویر، نقشه‌خوانی، ترسیم نقشه، گردشهای علمی، بازدید از مؤسسات مختلف و کارخانجات با روش گردآوری اطلاعات آشنا می‌شوند.

محتوای کتب درسی در دوره ابتدایی

بررسی فهرست عناوین یک دوره از جدیدترین کتب درسی دوره ابتدایی که در ایالت نیوجرسی آمریکا تدریس می‌شود، در مقایسه با کتب درسی دبیرستان که در همین ایالت مورد استفاده قرار می‌گیرد نشان می‌دهد که موضوعات این کتابها تنها در همق مطالب متفاوت است نه در نوع آنها (توجه به اصل استمرار و مداومت در برنامه‌ریزی). مطالب دوره ابتدایی در سطح پیشرفته تحصیلی معمولاً با عمق و توسعه بیشتری آموخته می‌شود و از این رو ارتباط طولی به نحو چشمگیری در تنظیم محتوای مورد توجه قرار گرفته است. ضوابط عملی که در گزینش مورد توجه بوده است، ارتباط با مسائل روز، پایه‌ای برای آموزش بعدی، میراث فرهنگی، ارائه فرصت مناسب برای فعالیتهای یادگیری چندگانه، توجه به تکالیف رشد و دانش معتبر می‌باشد. سازماندهی ماده درسی جغرافیا به صورت مجزا تقریباً در اغلب مدارس آمریکا کنار گذاشته شده است و به خاطر انتقاداتی که بر این شیوه از برنامه‌ریزی درسی وارد شده است اکنون جغرافیا در چارچوب دروس "مطالعات اجتماعی ۲" به صورت درهم تنیده در کنار علوم مختلف از قبیل تاریخ، تعلیمات اجتماعی، مردم‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی مرصه می‌شود. در این دروس

مطالعات اجتماعی عموماً از مطالعه خود انسان شروع می‌گردد. زیرا اعتقاد بر این است که با شناخت خوبتر درک انسانی شخص بالا رفته و موجبات تاملی بیشتر او فراهم می‌گردد. و آنگاه به مطالعه خانواده، همسایگان، جوامع محلی، شهرهای عمده ایالت، ناحیه و کشور پرداخته می‌شود و سپس به مطالعه کشورهای مجاور، نواحی عمده جغرافیایی و سایر کشورهای جهان ختم می‌گردد.

توجه به بُعد بین‌المللی در دروس دوره ابتدایی نشان می‌دهد که به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود تا بتوانند اجتماعات محلی را در سایر جوامع مطالعه نموده و چگونگی اختلاف و تشابه ویژگیهای آنها را با محیط خود مقایسه نمایند. آموزش جغرافیا ابتدا از شناخت محیط زندگی دانش‌آموز شروع می‌شود. آنها خانه، مدرسه، همسایگان و همچنین جوامع محلی و با ایالات را از نقطه‌نظرهای مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهند. از کلاس سوم ابتدایی به مملکت عملاً این اختیار داده شده است که توالی مطالب آموزش را خود انتخاب کنند (رهایت شیوه پیمانهای) مفاهیم جغرافیایی نظیر رود، دریا، جزیره، خلیج، شبه‌جزیره و... در قالب مطالعه جوامع محلی، شهرها، ایالات و نواحی جغرافیایی معمولاً به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود. بهر حال با توجه به گستردگی کشور آمریکا، در مقطع ابتدایی اولویت با مطالعه محیط زندگی، جوامع محلی، شهرهای عمده و ایالات این کشور می‌باشد.

آموزش جغرافیا در دوره متوسطه:

هنگامی که دانش‌آموزان وارد کلاسهای متوسطه می‌شوند، فنرو مطالعه آنها از جوامع محلی و ایالتها به مطالعه نواحی جغرافیایی در آمریکا، وابستگیهای ناحیه‌ای، کشورهای همسایه و سایر کشورهای تغییر می‌یابد.

در کلیه این دروس روش سنتی برای شناخت نواحی جهان در چارچوب "تقسیمات قاره‌ای" می‌باشد و بسیاری از برنامه‌های درسی جغرافیا از همین تعلیمات متأثر است.

ولیکن در سالهای اخیر که فکر تقسیم جهان به مناطق فرهنگی در بین جغرافیدانان رواج پیدا کرده است، روش تقسیمات قاره‌ای به تدریج در حال تغییر است، و در عوض شناخت جهان بر اساس مناطق فرهنگی در جدیدترین کتب درسی مطرح شده است. تقسیم‌بندی جهان به مناطق فرهنگی عموماً شامل اروپای غربی، اروپای شرقی، خاورمیانه، افریقای شمالی، صحرائی بزرگ، افریقای جنوبی، مشرق زمین که خود به نواحی کوچکتر فرهنگی نظیر آسیای مرکزی، شرقی، آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی تقسیم می‌شود جزایر فیلیپین، آرام، آمریکای لاتین و آمریکای شمالی نیز هر کدام یک منطقه فرهنگی محسوب می‌شود.

طرح جدیدی که اکنون در آستانه مقبولیت در بین جغرافیدانان می‌باشد تقسیم بندی جهان به مناطقی است که از اجتماع ملل به وجود آمده و به وسیله پیوندهای مشترک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

به هم گره خورده‌اند.

به‌طور کلی هم‌اکنون سه نوع از این جوامع عمده وجود دارد. جامعه آتلانتیک، جامعه پاسیفیک، جامعه کمونیسیت. تردیدی نیست که هریک از این جوامع اصلی ممکن است که دوباره به اجتماعات کوچکتر نیز تقسیم شوند.

در مطالعه این مناطق چه بصورت "قاره‌ای معین" یا "مناطق فرهنگی" و یا "جوامع ملل" موضوعات زیر مورد بحث قرار می‌گیرند. ۱- موقعیت این منطقه در جهان، توزیع پدیده‌های عمده طبیعی و فرهنگی در درون هریک از آنها، منابع طبیعی، صنعت و تولیدات، نقش هریک از این مناطق در مسائل جهانی به معنیه دارند. و بالاخره مسائل داخلی این کشورها نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

در مطالعه دروس جغرافیا به جای حفظ کردن حقایق درباره یک منطقه فرهنگی و یا یک ناحیه به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که چگونه مشاهده کنند، تفسیر کنند، ویژگی مکانها را بشناسند همچنین چه مهارتها و تواناییهایی را باید دانش‌آموزان فرا بگیرند تا در زندگی آنها جنبه کاربردی داشته باشد. به علاوه از آموزش موضوعات خارج از رده که اعتبار علمی خود را از دست داده‌اند به شدت اجتناب می‌شود. در دوره دبیرستان تأکید بیشتر بر آموزش روش صحیح برخورد علمی با مسائل و چگونگی تجربه و تحلیل آنهاست تا از این طریق به بالارفتن و عمیق‌تر شدن درک و فهم دانش‌آموزان از طریق حقایق جغرافیایی کمک شود.

روش تدریس توضیحی اکنون به روش اکتشافی هدایت شده و روش تحلیل و ترکیب و روشهای برخورد به مسئله تبدیل شده است.

در این روش معلم با بهره‌گیری از روشهای توضیحی، ارائه اطلاعات از کتب و منابع مختلف به کمک وسایل و مواد سمعی و بصری با طرح یک سلسله پرسشهای منظم به منظور جلب حلاق دانش‌آموزان به یادگیری، آنها را در تنظیم فرضیات و ساختن قواعد و قوانین از این فرضیات هدایت می‌کند. کار معلم راهنمایی دانش‌آموزان و طرح مسئله می‌باشد در این روش استفاده از پاداش (تقویت) به دفعات مختلف به جهت اجرای تحقیق و با نوآوری در آن امری ضروری است.

پروژه معروف جغرافیای دبیرستان که در سال ۱۹۶۱ ارائه گردید بر مبنای تحقیق و روش اکتشاف سازماندهی شده است.

بهره‌گیری از تفویض همراه با ابداع روشهای نو در تحقیق موجب بالا رفتن مهارت دانش‌آموزان در به کارگیری اطلاعات برای رسیدن به تعمیم قابل قبول در پهنای وسیع از رویدادها می‌گردد.

در کتب درسی جدیدی که به وسیله شرکتیهای انتشاراتی عرضه شده است گوش شده است که دانش‌آموزان به کمک روشهای تحقیق به درکی جامع از ماهیت علم جغرافیا برسند. چه کتبی که بر مبنای پروژه جغرافیای دبیرستانها طراحی شده و چه کتب درسی که به وسیله

دروس جغرافیای ناحیه‌ای؛

در این دروس که تجربیاتی بر مبنای مدل فکری بکارچه می‌باشد، به مطالعه نواحی طبیعی یا فرهنگی در دورانی تاریخی توجه شده است و موما" به چهار فرآیند مهم تحقیق، مشاهده، تحلیل، ترکیب و کاربرد اشاره می‌کند.

مشاهدات در این مدل فکری تا سرحد امکان همه‌جانبه است و در آن کوشش می‌شود که حقایق عمده و سیماهای طبیعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

مشاهده علمی معمولاً با چشم صورت می‌گیرد که در آن با توجه عمیق بر روی پراکندگی پدیده‌های طبیعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که بر روی هم وحدت و یکپارچگی ناحیه را تشکیل می‌دهد، سعی می‌گردد، دیدی یکپارچه و کلی از مکان ممینی به دست آید. این مشاهدات در کلاس درس از طریق رسانه‌هایی نظیر نقشه، اسناد و مدارک، فیلم، تصاویر، داده‌های آماری، مصاحبه‌ها، و یا مواد آموزشی مختلف درسی صورت می‌گیرد.

تحلیل‌ها عمیقاً بر مبنای توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های مکانی از مکان دیگر صورت می‌گیرد که خود، از پراکندگی نابرابر پدیده‌های فیزیکی و فرهنگی در سراسر سطح زمین ناشی می‌نود. در روش فکری بکارچه معمولاً از نومی تحلیل ثانوی برای مقایسه نواحی مختلف فرهنگی و با وجوه مشترک فرهنگی نیز استفاده می‌شود.

بهرحال این یک واقعیت است که محقق از این نوع مقایسه‌ها و تممیم به منظور افزایش توانایی ادراکی خود از تفاوت‌های مکانی و بالا رفتن اشتراک تحقیق استفاده می‌کند. از آنجا که در مدل فکری بکارچه هدف این است که یک ناحیه خاص توصیف و با تفسیر نمود، طبعاً محقق ناچار است پراکندگیهای وسیع موجود در میدان دید را به حساب آورد و نیز باید از تفکر تحلیلی، اطلاعات فرهنگی و حتی تفکر شهودی استفاده کند تا به کمک آنها درک خود را از ناحیه مورد مطالعه توسعه بخشد. این روش چون ممکن است بیش از حد مستنی بر ذهنیات باشد طبعاً نمی‌تواند به عنوان یک روش صددرصد علمی تلقی گردد اما غالباً تحلیل از چنین ویژگیهایی برخوردار است.

ترکیب - در مدل فکری بکارچه هدف از مطالعه رسیدن به دیدی جامع از یک ناحیه طبیعی و یا فرهنگی در مکان معین و زمان خاصی است. بهر حال امکان رسیدن به چنین دیدی متأثر از اجزاء و فرآیندهای آن کل است که به دلیل ارتباط درونی که با یکدیگر دارند می‌توان آن را یک سیستم تلقی نمود. البته در این بررسی ممکن است که بر روی چند نهاد و یا چند جزء از کل که بر نحوه زندگی در مکانی خاص تأثیر گذارده بیشتر تأکید گردد.

برای مثال کان (Kohn) و دروموند (Dromond) در کتابهای درسی خود به نام جهان امروز به الگوها و فرهنگهایی نظیر چگونگی توسعه ملی، رشد جمعیتی، مراحل صنعتی شدن، اثرات صنعت، شهرگرایی، توانایی در تهیه غذا برای مردم، ماهیت

شرکت‌های انتفاعی تولید شده هر دو، دانش‌آموز و معلم را در به کارگیری روشهای اکتشافی، تحلیل و ترکیب و با هر دو به منظور رسیدن به استنباطی عمیق و جامع از واقعیات به گونه‌ای که برای جغرافیدانها مطرح است، تشویق می‌کنند.

پیدا کردن چنین بصیرتی تنها از طریق تحلیل فعالیت‌های متشومی که بین نوع بشر در بینه زمان و مکانهای گوناگونی که با آن روبروست، همچنین داشتن دیدی یکپارچه و جامع از یک ناحیه خاص، میسر می‌باشد.

از آنجا که هیچ تحلیلی آخرین تحلیل نمی‌باشد و تحلیل همواره بر پایه مسائل و نیازهای فعلی استوار است نتایجی که از این تحلیل‌ها به دست می‌آید تنها برای نقطه خاصی از زمان قابلیت اجرایی دارد و نمی‌تواند برای توجیه همه مسائل آتی که خود نیاز به تحلیل جدید دارند بسنده باشد. بهر حال با مطرح شدن مسائل جدید، تحقیق همچنان در ابعاد نو و ویژگیهای معین ادامه می‌یابد، اما هدف نهایی از به کارگیری روش تحلیل فکری همواره رسیدن به دیدی یکپارچه و جامع از موضوعات مورد بحث و تحقیق می‌باشد.

بهرحال از آنجا که در آموزش جغرافیای دبیرستانهای آمریکا تأکید بر استفاده از روشهای تحقیق می‌باشد، پروژه‌های جغرافیای دبیرستانهای آمریکا به استثنای واحد درسی ژاپن (لازم به تذکر است که این پروژه شامل هفت واحد درسی است) همگی به منظور افزایش توانایی تحلیل در دانش‌آموزان طراحی شده است. در سرتاسر دروسی که بر مبنای جغرافیای ناحیه‌ای تدوین شده است، به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود که چگونه تحلیل کنند، تصمیم دهند، قانون بسازند، و بالاخره از این شوریه‌ها در زندگی اقتصادی، اجتماعی و یا عملکردهای سیاسی استفاده کنند.

با درک توانین و تممیم آنها بر پراکندگی پدیده‌های سطح سیاره زمین می‌باشد که دانش‌آموزان قادر خواهند بود به پرسشهایی که توسط هر کسی مطرح می‌شود پاسخ گویند برای مثال پیش‌بینی کنند که با توجه به این شرایط در زمینه خاصی، چه نوع عملکردی را اکنون و با بعد، باید انتظار داشته باشیم؟

در این دروس یاد داده می‌شود که چگونه بر مبنای ابزارهای تحلیل و به کمک فرضیه‌ها و تممیم می‌توان برای حل مسائل روزمره خود استفاده کرد.

همانطور که اشاره شد در سرتاسر این دروس آموزش داده می‌شود که به کمک تحلیل ماهیم و با بهره‌گیری از مکاتب جغرافیایی چگونه از نتایج این تحلیل‌ها در تصمیم‌گیریهای خود استفاده کنیم. باید متذکر شد اگرچه دروس جغرافیای ناحیه‌ای که هم‌اکنون در بیشتر دبیرستانهای آمریکا آموزش داده می‌شود، در به کارگیری روش تحقیق بر مبنای مدل فکری بکارچه (مشاهده، تحلیل، ترکیب، کاربرد) تأکید دارد، اما بهر حال پیدا کردن دیدی جامع و یکپارچه از مکانها بیشتر از شیوه فعالیت یادگیری که دانش‌آموزان باید از خود بروز دهند مورد توجه قرار می‌گیرد.

سیستمهای سیاسی و اجتماعی و آداب و رسوم در مطالعه نواحی توجه بیشتری کرده‌اند. در هر صورت از مطالعه این اجزاء طبیعی و فرهنگی و تعامل این دو می‌توانیم به دیدی یکپارچه از یک ناحیه دست‌یابیم. توانایی را که در نتیجه تحلیل و ترکیب از مطالعه مسافل طبیعی و با فرهنگی در یک ناحیه به دست می‌آید معمولاً باید با احتیاط ویژه برای مکانهای مختلف تصمصم داده شود.

برای مثال، ممکن است که یک محقق استخراج خود را از مطالعه یکپارچه درباره آمریکا لاتین بخواهد درباره مشرق زمین تصمصم دهد. اینجاست که تصمصم‌های ناروا به دلیل تفاوت شرایط مکانی موجبات لغزش یک محقق را فراهم می‌کند.

پروژه جغرافیایی دبیرستانهای آمریکا تجربیاتی بزمینهای مدل فکری یکپارچه

این دروس که برای دانش‌آموزان کلاسهای ششم الی دوازده دبیرستان می‌باشد، شامل هفت واحد درسی است که بر مبنای مدل فکری یکپارچه طراحی شده‌است. موضوع اصلی این دروس سکونتگاه‌هاست و در آنها سعی شده است که دانش‌آموزان با به کارگیری مراحل مختلف تحقیق پاسخ این سؤالات را پیدا کنند که چرا شهرها، مراکز صنعتی، و مؤسسات در مکان خاصی به وجود آمده‌اند؟

در این دروس برای توسعه و تکمیل مهارت‌ها و درک مفاهیم اساسی در دروس مختلف به میزان وسیعی از مواد کمک آموزشی نظیر فیلم، کتب مرجع، نقشه‌های مختلف روش مباحثه گروهی و بازیهای آموزشی نظیر ابفای نقش استفاده می‌شود.

واحد درسی یک: این واحد درسی مستقیماً به شهرها مربوط می‌شود و در آن موضوعاتی چون مکان‌یابی شهرها و عوامل مؤثر در آن، رشد شهرها، الگوهای کارسری زمین، ارتباطات درونی مکانهای مختلف شهری، سیمای مرکزی شهرها ساختن یک شهر فرضی و علل تاریخی پیدایش برخی شهرهای آمریکا مورد بحث قرار می‌گیرد.

واحد درسی دو: این واحد از جغرافیای اقتصادی بحث می‌کند موضوعاتی که در آن آموزش داده می‌شود عبارتند از مراکز کشاورزی و صنعتی وابسته به سکونتگاههای شهری، اهمیت مزارع و کارخانجات برای انسان و تأثیر آنها در تغییر چشم‌اندازها، اثرات آنها و مسائلی که به وجود می‌آورند. در این واحد درسی دو فعالیت مدهای که دانش‌آموزان باید انجام دهند عبارتند از: تصمصم‌گیری و ابفای نقش در انتخاب موقعیت یک کارخانه برای یک ناحیه معین و با هنگامی که کشاورزی یا خشکسالی و یا نوسان قیمت مواجه است (مسائلی که همواره در آمریکا دیده می‌شود).

واحد درسی سوم: در این واحد درسی از فرهنگهای متفاوت، وابستگیهای فرهنگی و طرق این وابستگیها، گسترش فرهنگی از طریق فعالیتهای مختلف نظیر ورزش و با جهاد مثل توسعه اسلام در قرون گذشته، نواحی فرهنگی، یکپارختی فرهنگی، و نوگرایی در یک فرهنگ

بحث می‌شود.

واحد درسی چهارم: در این واحد درسی دانش‌آموزان از طریق فرآیندهای جغرافیای سیاسی و با مفاهیمی چون قلمروهای سلسله مراتب سیاسی، سیاست منطقه‌ای مشکل اختلاف مرزی و چگونگی حصول توافق در مورد آنها آشنا می‌شوند. در تدریس این دروس از روش ابفای نقش که در آن فرض می‌شود دانش‌آموز ضمن مواجه با یک رشته از علقای سیاسی که با کشور دیگر دارد و برای حل آن و حصول یک توافق، نیاز به تصمصم‌گیری سنجیده‌ای هست، استفاده می‌شود.

واحد درسی پنجم: در این واحد دانش‌آموزان با انواع سکونتگاهها و رابطه آن با محیط طبیعی، منابع و مسافل آب و انرژی روابط دوجانبه انسان و محیط اهمیت منابع طبیعی و حفاظت از آن آشنا می‌شوند در تدریس این دروس از رسانه‌های آموزشی در سطح وسیعی استفاده می‌شود.

واحد درسی ششم: در این واحد درسی ژاپن به عنوان یکی از مناطق مشرق زمین با توجه به ارتباط طولی با واحدهای قبلی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد، موضوعاتی که در این واحد مورد بحث قرار می‌گیرد عبارتند از ژاپن کشوری در حال رشد، علل نوگرایی (مدرنیزاسیون)، شهرگرایی و توسعه صنعتی، مراحل صنعتی، جمعیت و تنبیه غذا، مسافل جاری فرهنگی و ماهیت سیاسی آنها. در این واحد درسی از نمودارها و نقشه‌ها و تصاویر مختلف به منظور تأیید فرضیات مطرح شده کمک گرفته می‌شود.

واحد درسی هفتم: در این واحد درسی دانش‌آموزان با روش تحقیق در جغرافیا آشنا می‌شوند و به مثابه یک جغرافیدان بر روی یک موضوع تحقیق کرده و از حدود و شغوری که یک جغرافیدان در بررسیهای ناحیه‌ای خود مد نظر قرار می‌دهد مطلع می‌گردند. به استثنای این واحد درسی ششم سایر واحدهای درسی که در پروژه جغرافیای دبیرستانها طراحی شده‌است معمولاً به توانایی دانش‌آموزان در دستیابی به پاسخ مسئلة از طریق فرآیندهای یادگیری که با آن درگیر می‌شوند بستگی دارد. در روش تحلیل فکری دانش‌آموزان نیاز دارند که با پارامی از مسافل که در حوزه مطالعات جغرافیایی مطرح می‌شود، مواجه گردند. این مسافل غالباً در ارتباط با توزیع پدیده‌ها و با تعامل فضا می‌بین آنها در یک یا چند مکان معین و با یک مسئلة رفتاری است و در طرح این مسافل معمولاً از دانش‌آموز خواسته می‌شود که با توجه به اطلاعات موجود چه تصمصمی را باید اتخاذ کنند و یا چگونه مکان یک کارخانه و با حرکت را باید انتخاب نمایند، تولید چه نوع محصولاتی با صرفه‌تر است و از این قبیل مسافل.

مشاهدات معمولاً بر مبنای مسافل مطرح شده انجام می‌شود که ممکن است به صورت مستقیم (کارمیدانی) و یا غیر مستقیم (به کمک رسانه‌هایی نظیر اسناد و مدارک، عکسها، داده‌های آماری، نقشه‌ها، فیلمها و غیره) صورت گیرد.

شایان ذکر است که در مطالعه موضوعات به صورت یکپارچه

جمع آوری اطلاعات ضروری، شامل داشتن یک سلسله از تواناییها نظیر مشاهده دقیق در داخل شهر و یا خارج از آن، یادداشت برداشتن از مشاهدات، توانایی خواندن جداول و جارتها، توانایی به دست آوردن حقایق از نقشهها و کره جغرافیایی، خواندن تصاویر از جمله عکسهای هوایی می باشد. بهر حال یکی از وظایف معلم کمک به دانش آموزان در کسب این تواناییها در یک مشاهده است. تحلیل معمولاً از طریق مطالعه یک سری فرضیات صورت می گیرد که ممکن است بر اساس توزیع پدیدهها و با تعامل فضایی بین آنها تنظیم شده باشد.

در فرآیند تحلیل دانش آموز قبل از انجام تحقیق ناچار از گزینش و تعریف یک یا چند متغیر مستقل و طبقه بندی آنها است که در فرضیات بدان اشاره کرده است.

بعداً لازم است که این متغیرهای مستقل و با وابسته هنگام شناسایی فضایی و تضاد بین مجموعه مورد مطالعه مشخص گردند. به عبارت دیگر این فرضیات مورد آزمون فرار می گیرند اگر تحقیق برخوردار از امتیاز باشد پذیرفته می شود وگرنه رد می شوند. در صورت رد شدن فرضیه، تحقیق با طرح فرضیات دیگری ادامه می یابد. بهر حال این تحلیلها در مدل فکری بیکارچه برای تسهیل پدیدهها در یک زمان می باشد نه اینکه برای زمانهای مختلف صورت گرفته باشد.

در روش فکری بیکارچه کوشش برای توصیف و تفسیر مسائل عمده یک ناحیه می باشد. از نتایج تحقیق (تعمیم، مدلها و یا تئوری) معمولاً برای انجام تحقیقات بعدی استفاده می شود. برای مثال: این فرضیه که میزان بارش با پراکندگی جمعیت در ارتباط است. هرگاه صحت آن به کمک مشاهده و تحلیل تأیید شد، نتیجه آن را می توان تعمیم داد و تازه تأیید این فرضیه خود زمینه را برای انجام تحقیقات بعدی فراهم می کند.

به هر صورت اگر مشاهدات صحت فرضیه را تأیید نکردند، نتیجه آن قابلیت کاربرد و یا تعمیم را نداشته و فرضیات با باپدارت اصلاح گردند و یا اینکه به کلی باید دور ریخته شوند.

مفاهیم تحلیلی که در پروژه جغرافیای دبیرستانها مطرح گردیده است می تواند دانش آموزان را در اتخاذ تصمیمات منطقی در ارتباط با موقعیت پدیدههای درون شهری، انتخاب مکان یک کارخانه و یا شرکت، نوع محصولات مورد نیاز و مسافتی از این قبیل توانا کند. خلاصه کنیم در مدل فکری بیکارچه کوشش می شود که ناحیه خاصی نظیر هند، استرالیا و یا دنیای غرب با کمک مشاهده مستقیم و غیر مستقیم، تحلیل فکری، خلافت فکری و ادراک مستقیم مورد مطالعه فرار گیرد و دانش آموز به یک دید جامع و کلی از ناحیه مذکور برسد.

یادداشتها

۱- منظور از برنا مهریزی متروکز غیر متروکز، برنا مهریزی توسط ایالات اما با نظارت مرکز می باشد.

۲- اصولاً به نظر مدهای از محققین، علم جغرافیا در طبقه بندی علوم به سبب تأکید بر زندگی انسان، در طبقه علوم اجتماعی قرار می گیرد نه علوم طبیعی. به رجوع کنید به منبع شماره هشت.

منابع

پژازی، علیزاده - آموزش بازرگانی آمریکا، دفتر نظامهای جهانی، نشریه شماره ۱۹، بهرماه ۱۳۵۹.

- 1- Alvis T. Harthern Families and Neighborhoods Annotiated Teacher's Edition, Silver Burdett Company, Norristow, Newjersey, 1986.
- 2- Bobble P. Hyder and Carolyn S. Brown. Neighborhoods and Communities. ATE. SB. Company. Newjersey. 1986.
- 3- Dalet Hesser and Susan. Earth Science. Leach Merrill Publishing Company, Columbus. Ohio, 1987.
- 4- Richard H. Loftin. Communities and Resources ATE. SB. Company. Newjersey. 1986.
- 5- Elyde F. kohn. "Geography in American High Schools" Frontiers in Geographian Teaching in the USA. Daridm. Helgren and others. Vinston. Publishers. New Yourk. 1976.
- 6- Theodere, Katsounis. States and Resources ATE. SB Company. Newjersey. 1986.
- 7- Timothy. Helmus and others. The United-States and its Neighbors ATE. SB Company. Newjersey. 1986.
- 8- David M. Helgren and others, World Geography Today. Rinehart and Winstion Publishers, New York. 1986.